

با استفاده از واژه روشنفکر بین خودمان، موافق نیستم؛ به منورالفکرها می‌گویم خردورز. ایدئولوگ معتقد به یک حقیقت مطلق و ایدئولوژی است و می‌گوید حقیقت نزد من است.

همه باید ساکت شوند؛



داریوش مهرجویی در مراسم رونمایی از کتاب «دو خاطره» گفت: هیچ کس با بابک احمدی حرف نمی‌زند. چون کسی نمی‌فهمد او چه می‌گوید. هیچ کس نیامده دو کلمه درباره‌اش حرف بزند. این حسادت و بغض است. کینه توزی است. اما ماجرا چیست؟ بلد نیستند و نمی‌فهمند طرف چه می‌گوید. دانشش را ندارند. بابک احمدی یکی از بزرگترین روشنفکران یا خردورزان دوران ماست و نسل‌های بعد متوجه می‌شوند که چه اهمیتی داشته است.

به گزارش اسپادانا خبر به نقل از مهر؛ مراسم رونمایی کتاب «دو خاطره: سفرنامه پاریس، عوج‌کلاب» نوشته داریوش مهرجویی چهارشنبه شب ۸ دی با حضور جمعی از هنرمندان و اهالی ادب در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

شهرام اقبال‌زاده دبیر مجموعه آثار مهرجویی در انتشارات به نگار در ابتدای این برنامه گفت: آقای مهرجویی کتاب خوان‌ترین آدم نسل خودش است و متنوع هم می‌خواند؛ یعنی هم فلسفه، و چه به فارسی و چه انگلیسی. او مرتب دارد می‌خواند و در آثار سینمایی‌اش هم ارجاعات زیادی به کتاب‌های مختلفی دارد. در کتاب «دو خاطره» او هم به سفرش به فرانسه و هم بازداشتش در یکی از کشورهای همجوار خلیج فارس و این که یک سال بلاتکلیف بوده، اشاره می‌کند.

وی افزود: مهرجویی چند سال است که به نوشتن رمان رو آورده است. عده‌ای به این کارش ایراد می‌گیرند که یک کارگردان بزرگ چرا چنین می‌کند؟ مهرجویی کارگردان بزرگی است ولی این جا، این که درجه یک هست یا نیست را مورد قضاوت قرار نمی‌دهم. در نظر قطره هم چاپ رمان‌های او زیر نظر من انجام شد. اولین رمانش هم «به خاطر یک فیلم لعنتی» بود. راوی رمان‌های او، الزاما داریوش مهرجویی نیست. من در این باره با او صحبت کرده‌ام. در پاسخ گفت من در سینما حرفم را با کمک عوامل مختلف، به طور غیرمستقیم می‌زنم ولی رمان، از اول تا آخر حرف‌های خودم است. سینما هم روایت دراماتیک چیزهایی است که می‌نویسم. یعنی فیلم‌هایم هم رمان هستند.

این پژوهشگر در ادامه گفت: مهرجویی از فیلم‌سازهای خلاق ماست. در حال حاضر ۲۰ فیلمنامه‌اش را برای انتشار گردآوری کرده که شگفت‌آور هستند. مهرجویی رمان‌نویس، همان مهرجویی فیلمساز است. مهرجویی در سال‌های اخیر، با رمان نوشتن، به خودنوشت‌نمایی رو آورده است. او یک هنرمند متعهد روشنفکر است که یک نظام بسته ایدئولوژیک ندارد. چون عموماً ایدئولوژی را به عنوان یک نظام بسته فکری می‌شناسند. این کارگردان، در رمان «آن رسید لعنتی» مسائلی چون ترافیک _ که موجب استرس مردم می‌شود _ بروکراسی و انتقاد به مسئولین را مطرح می‌کند. او عقاید و تفکراتی داشته و طی سال‌ها، چرخش هم داشته است. ولی وجه اشتراک فکری آثارش، آن نگاه اومانیستی انتقادی است؛ یک نوع نگاه تکنرگرا و دیگر پذیر. دغدغه‌اش هم داشتن همین نگاه است.

در ادامه این نشست، نیره توکلی استاد دانشگاه به بیان سخنانی پرداخت و گفت: این که می‌گویند مردم کتاب نمی‌خوانند، اشتباه است. مشکل این است که ادا و اصول تکنیکی و تظاهر زیاد شده است. و اصل موضوع این نیست که مردم نخواهند کتاب بخوانند. اما کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر از داریوش مهرجویی چاپ شده، این مشکل را ندارد و وقتی آن‌ها را به دست می‌گیرید، نمی‌توانید زمین‌شان بگذارید.

وی افزود: مهرجویی یک کنش‌گر اجتماعی است. در کتاب‌های او جریان‌های فکری مختلف، به راحتی حضور دارند. یکی از مسائل کتاب‌هایش، تفاوت فضای عمومی و فضای خصوصی است. این، یکی از مشکلاتی است که ما در سال‌های اخیر در جامعه مان داشته و داریم. مهرجویی خودزندگی‌نامه نوشته و هیچ کدام از خودزندگی‌نامه‌های پیش از او تا این حد، به این

مفهوم یعنی خودزندگی نامه نویسی واقعی نزدیک نشده اند. می گویند فروغ فرخزاد و گلشیری تا حدودی به این کار نزدیک شده بودند. همان طور که گفتم، ایرانی‌ها از قدیم این گونه بوده اند و نمی خواستند از درون، فضای درون یا اندورنی چیزی بگویند. اگر به برخی خانه های محقرمان نگاه کنید، متوجه این امر می شوید. یعنی به درگاه خانه نگاه می کنید و فکر می کنید که چقدر این خانه محقر است ولی وقتی وارد خانه مورد نظر شوید، می بینید، درونش با بیرونش بسیار فرق دارد.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به خاطره نویسی مهرجویی گفت: ای کاش خیلی های دیگر چون عباس کیارستمی هم این کار را می کردند.

در بخش بعدی این برنامه شبنم مقدمی بازیگر سینما و تئاتر به خوانش چند صفحه از کتاب «دو خاطره» پرداخت و امیر پوریا منتقد سینما نیز به تشریح خاطرات مهرجویی پرداخت.

علی شروقی هم به عنوان سخنران دیگر این مراسم گفت: سفرنامه پاریس، با فیلم توقیف شده مهرجویی با نام «مدرسه ای که می رفتیم» شروع شده و با فیلم «اجاره نشین ها» تمام می شود. در هر دو فیلم مکانی هست که استعاره یک مکان بزرگ تر بوده و دلالت ضمنی دارد بر یک مکان بزرگ تر؛ بدون اینکه از تمثیل به شکل مکان استفاده بشود. در این نوشته، حس ناامنی از بی جایی و بی مکانی مدام احساس می شود که نقطه اوجش را در خرده روایتی می بینیم که شخصیتی که به غلامحسین ساعدی ارجاع دارد، وارد داستان می شود.

وی افزود: در داستان هایی هم که ساعدی از ماجرای مهاجرتش نوشته، این اضطراب، بی جا و مکانی و مکان های موقتی که هر لحظه ممکن است برچیده شوند وجود دارد. این مکان ها ممکن است برچیده شده و او باید به جای دیگری نقل مکان کند. در عین این که داستان مهرجویی حالت خاطره دارد، عناصرش به گونه ای کنار هم چیده شده اند، که انگار کنار هم بودنشان، تصادفی نیست و با حلقه هایی به هم متصل شده اند تا مفهوم حس ناامنی را منتقل کنند.

این منتقد ادامه داد: یکی از نکات مهم در تمام آثار مهرجویی، شکل روایت است. او هم در سینمایش شکل خاص روایتش را دارد و هم در کتاب هایش؛ یک نوع عنصر کمیک و طنزآمیز که در اغلب کارهایش وجود دارد و می توان آن را یک نوع مواجهه رندانه با همه چیز دانست. این حالت در سفرنامه پاریس هم وجود دارد؛ پایان های شادی که اغلب اتفاقات دارند گول زننده هستند و وقتی دقت می کنیم می بینیم تا چه حد کاریکاتوری و شکننده هستند. مثل پایان فیلم اجاره نشین ها.

شروقی گفت: به این شکل، کمدی و تراژدی را توأمان داریم. در مواجهه مهرجویی با شخصیتی به نام حامدی، فضاهایی داریم که بسیار به داستان های ساعدی نزدیک می شود؛ فضاهای کافکایی و ساعدی گونه که هم مضحکند و هم وهمناک.

مجتبی گلستانی هم در بخش دیگری از این برنامه گفت: داریوش مهرجویی یکی از بزرگ ترین داشته های فرهنگی ما در یک قرن گذشته بوده و ما باید قدر داشته های فرهنگی مان را بدانیم.

در یکی از بخش های پایانی این برنامه، مهرجویی که با تاخیر به نشست رسیده بود، با اشاره به برخی سخنان که درباره بابک احمدی بیان شده، گفت: هیچ کس با بابک احمدی حرف نمی زند. چون کسی نمی فهمد او چه می گوید. هیچ کس نیامده دو کلمه درباره اش حرف بزند. این حسادت و بغض است. کینه توزی است. اما ماجرا چیست؟ بلد نیستند و نمی فهمند طرف چه می گوید. دانشش را ندارند. بابک احمدی یکی از بزرگترین روشنفکران یا خردورزان دوران ماست و نسل های بعد متوجه می شوند که چه اهمیتی داشته است.

این کارگردان ادامه داد: من با استفاده از واژه روشنفکر بین خودمان، موافق نیستم؛ به منورالفکرها می گویم خردورز. ضمن اینکه ما اصلاً روشنفکر نداشته ایم. همیشه ایدئولوگ داشته ایم و این دو خیلی با هم فرق دارند. ایدئولوگ معتقد به یک حقیقت مطلق و ایدئولوژی است و می گوید حقیقت نزد من است و همه باید ساکت شوند. اما خردورز و روشنفکر، با خرد کار می کنند.

اسد[] امرایی یکی از مترجمان حاضر در این برنامه بود که در بخش پایانی آن گفت: داریوش مهرجویی فیلمسازی باسواد و کتابخوان است و به خوبی می داند چه حرفی را چه موقع و کجا بزند. «دایره مینا» اولین فیلمی بود که از او در سینما دیدم. این فیلم اقتباسی از داستان «آشغالدونی» اثر ساعدی بود. همین چند روز اخیر هم بخش هایی از اتفاقات این فیلم و داستان را در اطرافمان دیدیم و آشغالدونی برایمان زنده شد.

مترجم آثار ارنست همینگوی در ادامه گفت: هنرمند وقتی جامعه اش را بشناسد، از جامعه خود حرف می زند. حرف هایی که حتی سال ها بعد هم خود را نشان می دهند. زبان مهرجویی ادا و اصول ندارد او راحت ارتباط برقرار می کند و هر آنچه را می خواهد، بیان می کند. این ویژگی را در فیلم ها و کتاب هایش هم دیده ایم.

امرایی در پایان سخنانش گفت: مهرجویی هنرمندی است که بعدها شناخته می شود؛ فردی که در اتفاقات مربوط به درگذشت زنده یاد کیارستمی حرف هایی را زد و آنقدر هم صریح که شاید کمتر کسی می توانست این کار را انجام دهد.

برچسب ها: [سینما](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

